

رابطه‌ی بین هوش معنوی با سلامت روان و استرس شغلی در پرستاران بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان مهاباد

علیرضا قلعه ای^۱، بهناز مهاجران^۲، محمد محمودزاده^{۳*}

- ۱- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
 ۲- استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
 ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۴

دریافت: ۱۳۹۴/۶/۷

چکیده:

مقدمه: امروزه نقش هوش معنوی به عنوان یک رویکرد نوین در بهبود سلامت روانی، کاهش استرس شغلی و کارکرد اجتماعی کارآمد، بسیار مهم شمرده می‌شود که با توجه بیش از پیش سازمان‌ها و ارتقای آن، موجبات درک بهتر کارکنان از شغل‌شان و افزایش رضایت شغلی آنان شده است. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین هوش معنوی با سلامت روان و استرس شغلی در پرستاران انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه پرستاران بیمارستان امام خمینی (ره) مهاباد بودند (۲۷۰ نفر)، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۶۰ نفر برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها سه پرسشنامه بود که روایی و پایایی آن‌ها، بررسی و مورد تأیید گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS/22 و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان دادند بین هوش معنوی با سلامت روان ($P=0/001$)، هوش معنوی با استرس شغلی ($P=0/001$) و سلامت روان با استرس شغلی ($P=0/001$) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه نهایی: در مجموع، می‌توان گفت که توجه و تأکید بر هوش معنوی و ابعاد آن در بیمارستان، ضمن آماده‌سازی محیطی سرشار از سلامت روانی، استرس شغلی را در پرستاران کاهش می‌دهد. در نتیجه توجه بیشتر به هوش معنوی و ارتقای آن در پرستاران ضروری به نظر می‌رسد و در نتیجه سبب بهبود کیفیت مراقبت از بیماران‌شان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی؛ پرستاران؛ فشار روانی؛ هوش معنوی

*نویسنده مسئول: محمد محمودزاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

Email: mahmoodzadeh68@yahoo.com

مقدمه:

هوش، مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی‌ها و انواع آن علاقه‌مند بوده است (۱). هوش مجموعه‌ای از توانایی‌هایی است که برای حل مسئله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می‌شوند، به کار می‌رود (۲). مفهوم تحلیلی غرب از هوش، بیش‌تر شناختی است و شامل پردازش اطلاعات می‌شود؛ در حالی که رویکرد ترکیبی نسبت به هوش، مؤلفه‌های گوناگون عملکرد و تجربه انسان از جمله شناخت، شهود و هیجان را در یک ارتباط کامل و یکپارچه در برمی‌گیرد (۳).

در واپسین سال‌های قرن بیستم، شواهد عصب‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و علوم شناختی نشان داد که علاوه بر بهره‌های هوشی و هوش هیجانی، هوش سومی وجود دارد که آن را هوش معنوی نامیدند (۴). هوش معنوی جزو عرصه‌هایی است که تحقیقات چندان منسجم و نظام‌مندی در جهت شناخت و تبیین ویژگی‌های آن صورت نگرفته است (۵). هوش معنوی برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و سؤال‌هایی همانند آیا شغل من باعث تکامل من در زندگی می‌شود؟ و یا آیا من در شادی و آرامش روانی مردم سهیم هستم؟ را در ذهن ایجاد می‌کند (۶). به نظر می‌رسد که ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی تحت تأثیر عوامل فرهنگی باشد. از طرفی، تفاوت‌های افراد در ویژگی‌های شخصیتی سبب تفاوت در میزان علایق معنوی، زمینه‌ها و اعمال مذهبی-معنوی، مهارت‌ها و ظرفیت‌های وابسته به هوش معنوی می‌گردد. بنابراین، علی‌رغم آن‌که ممکن است هوش معنوی به عنوان یک ویژگی آشکار جهانی دیده شود که به طور بالقوه در گروه‌های مختلف جمعیتی نمایان می‌شود، این احتمال وجود دارد که معنا و نحوه ابراز آن در بین گروه‌های مختلف، متفاوت باشد (۷). از آن‌جا که سازه هوش معنوی به نسبت زیادی متأثر از عوامل فرهنگ و نظام ارزش‌ها می‌باشد، شایسته است تا محققان ایرانی با عنایت به بستر مناسب تحقیقاتی، فرهنگی و هنج‌های ویژه و بومی کشور، در این مسیر گام‌های علمی بلندتری بردارند (۸).

به نظر می‌رسد که هوش معنوی با سلامت روان ارتباط دارد به این معنی که ارتقای هوش معنوی و ابعاد آن در پرستاران به بهبود سلامت روان آنان می‌انجامد و نیز

استرس‌های ناشی از کار را در آنان کاهش می‌دهد. با پیشرفت صنعت و فناوری جدید و مشکلات مربوط به آن، مشکلات جسمانی و اختلالات و بیماری‌های روانی افزایش چشم‌گیری داشته است (۹). بخش زیادی از زندگی افراد در محل کار یا محیط تحصیلی و در شرایط کاملاً متفاوت از منزل می‌گذرد، پس بسیاری از وقایع و فعالیت‌های زندگی اثر عمیقی بر سلامت جسمی و روانی آنان دارد. تأثیر مشکلات و عوامل استرس‌زای محیط کاری و یا آموزشی بر سلامت روانی و بدنی از اهمیت زیادی برخوردار است (۱۰ و ۱۱). سازمان بهداشت جهانی، سلامتی را نه تنها نبود بیماری، بلکه تلفیق و هماهنگی بهزیستی بین عوامل فیزیکی، عاطفی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کند (۱۲). از سوی دیگر، داشتن درک درست از زندگی و نیز داشتن هوش معنوی بالا، استرس شغلی را کاهش می‌دهد. استرس آثار فراوانی بر عملکرد اعضای خانواده و کارکنان محیط کار دارد از جمله، کنش‌وری فرد در قلمرو اجتماعی، روان‌شناختی، جسمانی و خانوادگی را دچار اختلال می‌کند. نارضایتی حرفه‌ای، کاهش تولید، افزایش خطاها و تضادها، تنزل سطح قضاوت و کندی زمان واکنش را در پی دارد؛ براساس ایجاد تغییرات روان-شناختی مانند افزایش تحریک‌پذیری، اضطراب، تنش حالت عصبی و ناتوانی در مهار خود، روابط اجتماعی و خانوادگی را مختل می‌کند (۱۳).

بنابراین، استرس بخش جدایی‌ناپذیر زندگی امروز است. انسان معاصر در هر موقعیتی که باشد استرس را تجربه می‌کند و آثار زیان‌بار آن را متحمل می‌شود. استرس جنبه‌های مختلف زندگی و حرفه‌ای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استرس شغلی، استرسی است که نه تنها فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه عوارض آن دامن‌گیر سازمان و محیط حرفه‌ای نیز می‌شود به طوری که باعث بروز غیبت‌های مکرر و نهایتاً فرسودگی شغلی می‌شود (۱۴).

مطالعه معلمی و همکاران (۲۰۱۱) بر روی ۴۰۰ تن از دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشجویی مؤید همبستگی معنی‌دار بین هوش معنوی و سلامت روان در بین دانشجویان است (۹). همچنین مطالعه حمیدی و همکاران (۲۰۱۳) بر روی ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین هوش معنوی و سلامت روان بود (۱۵). در یک مطالعه که به بررسی استرس شغلی با خشنودی شغلی و سلامت روان

امام خمینی (ره) شهرستان مهاباد بودند که با استناد به جدول مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۶۰ نفر برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش سه پرسشنامه بودند، بطوریکه در آن معیارهای ورودی شامل ۴ شاخص ورودی و ابزار خروجی شامل ۱۱ شاخص (۴ مورد برای اندازه‌گیری سلامت روانی و ۷ مورد برای اندازه‌گیری استرس شغلی) بودند. پرسشنامه اول، پرسشنامه هوش معنوی بود که در قالب ۲۴ سؤال و براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق=۵ تا کاملاً مخالف=۱) تنظیم شد و روایی و پایایی آن توسط اساتید متخصص و آلفای کرونباخ در سایر پژوهش‌ها، مورد تأیید قرار گرفت (۲۰)؛ پرسشنامه دوم، پرسشنامه سلامت روان بود که در قالب ۲۸ سؤال تنظیم گردید و روایی و پایایی آن در پژوهش‌های دیگر بررسی و تأیید گردید (۲۱)؛ پرسشنامه سوم، پرسشنامه استرس شغلی بود که در قالب ۳۵ سؤال تنظیم شد و روایی و پایایی آن نیز در پژوهش‌های دیگر، مورد تأیید قرار گرفت (۲۲). در پژوهش حاضر نیز به منظور برآورد پایایی پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای پرسشنامه‌های هوش معنوی (۰/۸۷)، سلامت روان (۰/۹۱) و استرس شغلی (۰/۸۹) محاسبه شده است. در نهایت نیز داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS/22 و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره با نظر گرفتن $P < 0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها:

در این پژوهش، برای نشان دادن روابط بین متغیرها (هوش معنوی، سلامت روان، استرس شغلی)، سه فرضیه تدوین شدند که در ادامه هر یک از فرضیه‌ها در جداول مجزا به همراه نتایج آن آورده شده است.

یافته‌ها نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین تفکر انتقادی وجودی با میزان اشتراک ۰/۲۵؛ تولید معنای شخصی با میزان اشتراک ۰/۱۲؛ آگاهی متعالی با میزان اشتراک ۰/۴۵ و بسط هوشیاری با میزان اشتراک ۰/۰۹ با کل ابعاد سلامت روان وجود دارد، بنابراین فرضیه اول تحقیق یعنی وجود رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی با کل مؤلفه‌های سلامت روان تأیید می‌شود.

نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین تفکر انتقادی وجودی با میزان اشتراک ۰/۷۰؛ تولید معنای

کارکنان پرداخته شده، نتایج نشان داد که بین استرس شغلی و سلامت روان کارکنان رابطه معنی‌داری وجود دارد (۱۶). در پژوهشی که در آن رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با استرس شغلی کارکنان دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت، مشاهده گردید که هوش معنوی بیشتر از هوش هیجانی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای استرس شغلی باشد (۱۴).

در زندگی امروزی بیش از هر زمان دیگری شاهد تجارب استرس‌زایی هستیم که بهداشت روان افراد را به مخاطره انداخته و باعث بروز ناراحتی‌های روانی در انسان می‌گردند. زندگی در جهان صنعتی که در آن روابط انسانی تا حدی ضعیف و حمایت‌های اجتماعی کم‌رنگ شده، مناسبات صحیح انسانی به مخاطره افتاده و از طرفی دیگر، افراد را مجبور ساخته که برای گذران زندگی به تلاش بی‌وقفه دست زده و در عین حال از بسیاری خواسته‌ها و نیازهای فطری و انسانی خود صرف‌نظر نمایند، شرایط آسیب‌زایی را برای سلامت روانی افراد از جمله پرستاران فراهم ساخته است (۱۷). پرستاری، حرفه‌ای است که با سلامتی مردم ارتباط تنگاتنگی دارد و به وسیله جنبه‌هایی از مراقبت‌های پرستاری بالینی مشتمل بر ارتباطات انسانی بین افراد و گروه‌ها مشخص می‌گردد (۱۸). این گروه از شاغلین جامعه، روزانه در محیط کار با استرس‌سورهای متعددی همچون کار بیش از حد توان، تعارضات فردی، کار شیفتی، سر و کار داشتن با مرگ و میر، فقدان حمایت روانی، تضاد با پزشکان و ابهام در میزان اختیارات روبرو می‌شوند. این عوامل می‌تواند بر سلامتی مراقبین سلامتی تأثیر بگذارد (۱۹). به نظر می‌رسد که وجود عواملی همچون نارضایتی مردم از ارائه خدمات این مراکز، عدم اجرای گزینش‌های قبل از استخدام، در نظر گرفتن صرف جنبه‌های مادی کار و ... به این دلیل باشد که پرستاران درک درستی از معنای زندگی ندارند و جنبه‌های هوش معنوی در آنان تقویت نشده است و شاید عده‌ای از آنان دارای سلامت جسمی باشند ولی از سلامت روحی و روانی دارای مشکل باشند. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط بین هوش معنوی با سلامت روان و استرس شغلی در بین پرستاران انجام شد.

روش کار:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه پرستاران بیمارستان

بین نشانه‌های بدنی با میزان اشتراک ۰/۳۲؛ نشانه‌های اضطراب و بی‌خوابی با میزان اشتراک ۰/۵۰؛ اختلال در کارکرد اجتماعی با میزان اشتراک ۰/۶۷ و نشانه‌های افسردگی و خودکشی با میزان اشتراک ۰/۵۵ با کل ابعاد استرس شغلی وجود دارد که فرضیه سوم تحقیق یعنی وجود رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های سلامت روان با کل مؤلفه‌های استرس شغلی، تأیید می‌شود.

شخصی با میزان اشتراک ۰/۴۶؛ آگاهی متعالی با میزان اشتراک ۰/۵۷ و بسط هوشیاری با میزان اشتراک ۰/۵۲ با کل ابعاد استرس شغلی وجود دارد، با این وجود، فرضیه دوم تحقیق یعنی وجود رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی با کل مؤلفه‌های استرس شغلی تأیید می‌شود. همچنین مشخص شد که رابطه مثبت و معنی‌داری

جدول ۱: رابطه بین مؤلفه‌های هوش معنوی با کل مؤلفه‌های سلامت روان با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره

متغیرها	لامبدای ویلکس	ضریب F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
تفکر انتقادی وجودی	۰/۶۳	۲۱/۸۷	۴	۰/۰۰۱
تولید معنای شخصی	۰/۷۴	۱۲/۹۰	۴	۰/۰۰۱
آگاهی متعالی	۰/۵۳	۳۳/۶۴	۴	۰/۰۰۱
بسط هوشیاری	۰/۸۲	۸/۰۴	۴	۰/۰۰۱

جدول ۲: رابطه بین مؤلفه‌های هوش معنوی با کل مؤلفه‌های استرس شغلی با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره

متغیرها	لامبدای ویلکس	ضریب F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
تفکر انتقادی وجودی	۰/۲۹	۵۱/۸۱	۷	۰/۰۰۱
تولید معنای شخصی	۰/۵۴	۱۸/۱۱	۷	۰/۰۰۱
آگاهی متعالی	۰/۴۲	۲۸/۶۶	۷	۰/۰۰۱
بسط هوشیاری	۰/۴۷	۲۳/۸۶	۷	۰/۰۰۱

جدول ۳: رابطه بین مؤلفه‌های سلامت روان با کل مؤلفه‌های استرس شغلی با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره

متغیرها	لامبدای ویلکس	ضریب F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نشانه‌های بدنی	۰/۶۷	۱۰/۵۲	۷	۰/۰۰۱
نشانه‌های اضطراب	۰/۴۹	۲۲/۰۹	۷	۰/۰۰۱
اختلال در کارکرد اجتماعی	۰/۳۲	۴۴/۰۰	۷	۰/۰۰۱
نشانه‌های افسردگی	۰/۴۴	۲۶/۶۹	۷	۰/۰۰۱

بحث:

بیمارستان ایجاب می‌کند که پرستاران برای انجام صحیح وظایف محوله، از سلامت روان کامل و به دور از هر گونه استرس شغلی باشند؛ به نظر می‌رسد که چنانچه مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف بیمارستان درصدد برآیند تا با ارائه راهکارهایی همانند برگزاری کلاس‌های آموزشی و یا سمینارها، در جهت کمک به پرورش و ارتقای بیشتر هوش معنوی پرستاران اقدام نمایند، می‌توان انتظار داشت که پرستاران از سلامت روان بهتری برخوردار باشند و نیز کمتر دچار استرس‌های ناشی از شغل و محیط کار شوند. همان‌طور که در نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داده شد، بین مؤلفه‌های هوش معنوی با مؤلفه‌های

پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط بین هوش معنوی با سلامت روان و استرس شغلی در بین پرستاران انجام شد. نتایج حاکی از این بود که هوش معنوی به بالا بردن سلامت روان و نیز کاستن از استرس شغلی منجر می‌شود. بدون شک، داشتن درک درست از زندگی و مفهوم آن و دارا بودن هوش معنوی بالا در کارکنان سازمان‌ها فواید بسیاری دارد که این اهمیت در نظام مدیریت سلامت و جامعه پرستاران به دلیل وجود شرایط غیر قابل پیش‌بینی و محیط استرس‌زا، بیشتر به چشم می‌خورد. در حقیقت، وظایف و شرایط کاری و نیز فضای خاص محیط

تضییع حقوق افراد و بی‌توجهی به ارباب‌رجوع در جهت ایجاد امنیت شغلی در کارکنان و رضایت مردم از سازمان، برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت بالا بردن میزان تحمل نسبت به استرس‌های زندگی و شغلی و همچنین ارائه راهکارهایی جهت کاهش میزان استرس شغلی و ایجاد مشاوره‌های مذهبی با رویکرد روان‌شناسی از طریق متخصصان روان‌درمانگر مذهبی (۲۶).

نتایج آزمون فرضیه سوم این پژوهش نیز نشانگر این بود که روابط بین مؤلفه‌های سلامت روان با مؤلفه‌های استرس شغلی معنی‌دار و مثبت بوده است. پژوهش‌های دیگری که تاکنون در این رابطه انجام گرفته‌اند، دال بر وجود روابط مثبت و معنی‌دار بین سلامت روان و استرس شغلی و نیز تأثیرگذاری این دو متغیر بر یکدیگر بوده است (۲۶ و ۲۷). با توجه به رابطه معنی‌دار و مثبت بین سلامت روان و استرس شغلی در این مطالعه، می‌توان گفت که عواملی همانند تحت فشار قرار گرفتن برای انجام کار، انجام دو کار به طور همزمان، انجام کار در روزهای تعطیل، عدم درک مشکلات افراد از سوی مدیریت، زیاد بودن حجم کار، اعمال روش‌های ضد و نقیض در محل کار و مشورت نکردن سرپرستان بخش‌ها با پرستاران در مورد تغییرات شغلی، مهمترین عوامل استرس‌زا در بیمارستان مورد مطالعه بوده است. به نظر می‌رسد وجود این عوامل در پرستاران، کاهش سلامت روان، افزایش اضطراب و تشویش، استرس شغلی و به دنبال آن کاهش توانایی‌های روانی و جسمانی پرستاران را موجب خواهد شد. علاوه بر این می‌توان به این نکته اشاره کرد که تغییرات سریعی که در بیمارستان رخ می‌دهد (از نظر ساختاری، مدیریتی، مالی و ...)، به نسبتی که بر میزان کاهش سلامت روان پرستاران می‌افزاید به همان نسبت میزان استرس‌های شغلی آنان را افزایش می‌دهد همچنین پرستارانی که از سلامت روان ضعیف‌تری برخوردار بوده‌اند در برابر استرس‌های شغلی آسیب بیشتری دیده‌اند

نتیجه نهایی:

با توجه به این‌که سلامت روحی و روانی پرستاران و همچنین کاستن از استرس‌های ناشی از کار در آنان، با کیفیت عملکرد آن‌ها در مراقبت از بیماران در ارتباط است، وجود محیط‌های کاری سالم و برخوردار از بهداشت روانی در کلیه سازمان‌ها از جمله بیمارستان‌ها که خود وظیفه سلامتی مردم را بر عهده دارند، بسیار ضروری

سلامت روان ارتباط معنی‌داری مشاهده شد. در پژوهش‌های دیگری نیز رابطه بین هوش معنوی با سلامت عمومی (۲۳ و ۲۴)، هوش معنوی با سلامت روان (۹) مثبت و معنی‌دار اعلام شده است که حاکی از تأثیر گذاری هوش معنوی بر سلامت روان است. رویکردهای معنوی به دانش و سلامت، در سال‌های اخیر مورد توجه محققان و اساتید قرار گرفته است. همان‌طور که نشان داده شد، ارتقای هوش معنوی می‌تواند به افزایش سلامت روان پرستاران کمک کند. با توجه به این‌که سلامت روانی پرستاران با کیفیت عملکرد آن‌ها در مراقبت از بیماران در ارتباط است، وجود محیط‌های کاری سالم و برخوردار از بهداشت روانی در کلیه سازمان‌ها از جمله بیمارستان‌ها که خود وظیفه سلامتی مردم را بر عهده دارند، بسیار ضروری است. در صورتی که پرستاران از هوش معنوی بالایی برخوردار باشند، ممکن است محیط کاری آنان باعث برآورده شدن نیازهایشان شده و سلامتی روحی و روانی خود و بیماران‌شان تأمین شود. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که روابط بین مؤلفه‌های هوش معنوی با مؤلفه‌های استرس شغلی، مثبت و معنی‌دار است. پژوهش‌های دیگری نیز که انجام گرفته‌اند، نشان داده‌اند رابطه بین هوش معنوی با استرس شغلی مثبت و معنی‌دار بوده و هوش معنوی بر استرس شغلی تأثیرگذار بوده است (۲۵).

با توجه به تأثیری که هوش معنوی در رابطه با استرس شغلی دارد، می‌توان گفت که مدیران سازمان‌ها باید با اقداماتی از قبیل غنی‌سازی شغلی، توانمندسازی کارکنان، توجه به جنبه‌های معنوی کار و بهبود ادراک کارکنان از کار، از میزان استرس شغلی کارکنان خود بکاهند. در حقیقت، مدیران بیمارستان‌ها می‌توانند با ایجاد یک جو دوستانه و مبتنی بر همکاری به جای رقابت، باعث کاهش استرس کارکنان و ایجاد نوعی سرمایه‌گذاری در سازمان شوند و احساس همبستگی و وفاق کارکنان را افزایش دهند و همچنین باید به نیازهای معنوی پرستاران توجه داشته باشند و جهت ایجاد یک جو پویا و انگیزاننده و نیز تأکید بر اعمال رفتارهای شهروندی سازمانی تلاش کنند. برخی از مسائلی که در ارتقای معنویت در سازمان مؤثر است و نیاز است که مسئولان به آن توجه کنند، عبارتند از: استفاده از انگیزاننده‌های مناسب مادی و معنوی در راستای ارتقای معنویت در پرستاران، حل مشکلات متداول در سازمان‌ها مانند اختلافات درون سازمانی،

گسترده‌تری و با توجه به فرهنگ ایرانی در رابطه با هوش معنوی انجام گیرد

سپاسگزاری:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی می‌باشد که در تاریخ ۹۴/۲/۷ به شماره ۴/۸۵۶ آ به تصویب دانشگاه ارومیه رسیده است. در آخر نیز از همکاری مدیران، کادر اداری و پرستاران بیمارستان امام خمینی شهرستان مهاباد که بدون مساعدت و همکاری آن‌ها، انجام این پژوهش میسر نمی‌شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماییم.

References

1. Ghobari bonab B, Salimi M, Soleymani L, Nouri Moghadam S. Spiritual intelligence. *Andishe-e- novin-e-dini*. 2007; 3(10): 125-147. (Persian)
2. Amram J. Intelligence beyond IQ: the contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership]. *Institute of Transpersonal Psychology*; 2005. [cited 2014 Jun 26. Available from: http://yosiamram.net/docs/EI_and_SI_in_Leadership_Yosi_Amram.PDF.
3. Nasel DD. Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. [Dissertation]. Australia: The University of South Australia; 2004.
4. Zohar D, Marshall I. SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence. 1sted. London: Bloomsbury Publishing; 2000.
5. Amram J. The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership. [Dissertation]. California: Institute of Transpersonal Psychology; 2009.
6. Abdollahzadeh H, Bagherpour M, Buzhmhrany S, Lotfi M. Spiritual Intelligence. *Tehran: Journal Ravansanji*; 2009. (Persian)
7. Yaghoobi A. The study of relation between spiritual intelligence and rate of happiness in Boali University students. *Journal of Research in Educational Systems*. 2010; 4(9): 85-96. (Persian)
8. Sohrabi F. Fundamental of spiritual intelligence. *Quarterly Journal of Mental Health*. 2008; 1(1): 14-18. (Persian)

است. در صورتی که پرستاران از هوش معنوی بالاتری برخوردار باشند، ممکن است محیط کار برای آنان استرس کمتری داشته باشد، باعث برآوردن نیازهای آنان شده و سلامت روحی و روانی خود و بیماران‌شان تأمین شود. اگرچه به دلیل برخی محدودیت‌ها همچون جامعه و نمونه آماری و تنها استفاده از یک ابزار (پرسشنامه) برای گردآوری داده‌ها، لازم است که تعمیم نتایج با احتیاط صورت پذیرد. در نهایت، با توجه به وجود روابط معنی‌دار و مثبت بین هوش معنوی، سلامت روان و استرس شغلی، پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های بیشتر و در سطح

9. Moallemi S, Bakhshani M, Raghibi M. On the relationship between mental health, spiritual intelligence and dysfunctional attitudes in students of Sistan and Baluchestan University, Southeast of Iran. *Fundamentals of Mental Health*. 2011; 12(48): 702-709. (Persian)
10. Adham D, Amiri M, Dadkhah B, Mohammadi MA, Mozaffari N, Sattari Z. Investigation of Mental Health students of Medical Sciences. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences*. 2007; 8(29):229-234. (Persian)
11. Rafati F, Shamsi A, Pilevarzadeh M, Rafati S. Mental Health and risk factors those in nursing students in Jiroft medical students. *Modern Care Journal*. 2012; 9(2): 137-145. (Persian)
12. Sadock B, Sadock V. Synopsis of psychiatry: behavioral sciences. 3rded. New York: William and Wilkins. 2003.
13. Stoor J.B. Tensioning or stress. Translation: Dadestan Parirokh. Tehran, Samt Publication.
14. Baezzat F, Sharifzadeh H. The relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence and job stress among university employees. *Journal of Occupational and Organizational Consulting*. 2011; 4(13): 6-7. (Persian)
15. Hamidi F, Sedaghat H. Comparison of spiritual intelligence between High School students According to their Genders and Grades. *Woman in Culture and Arts*. 2013; 4(4): 75-88. (Persian)
16. Attar H. Relationship between job stress and job satisfaction and mental health workers at a petrochemical complex. [Dissertation]. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 1994.

17. Ghorbani N. Spirituality experience is knowledge and modern cognitive to religion or a psychology constructing. *Articles and studies Philosophy*. 2004; 76(2): 69-98. (Persian)
18. Lambert VA, Lambert CE, Petrini M, Li XM, Zhang YJ. Workplace and personal factors associated with physical and mental health in Hospital nurses in China. *Nurs Health Sci*. 2007; 9(2): 120-126.
19. Hurst S, Koplin BS. A pilot qualitative study relating to hardiness in ICU nurses: hardiness in ICU nurses. *Dimens Crit Care Nurs*. 2005; 24(2): 97-100.
20. King D. Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure Applications of modeling in the Natural and social sciences program. Trent University. Canada. 2008.
21. Palahang H, Nasr M, Baraheni M. Epidemiological study of mental disorders in kashan city. *Andishe and Raftar Journal*. 1996; 8: 19-27. (Persian)
22. Azad marzabadi E, Gholami fesharaki M. Reliability and validity of occupational stress HSE. *Journal of Behavioral Sciences*. 2009; 4(4). (Persian)
23. Heravi karimooy M, rezheh N, Sharifnya SH. The relationship between spiritual intelligence and public health nursing students of Tehran. *Iranian Journal of Medical Education*. 2011; 14(1). (Persian)
24. Akbarizadeh F, Bagheri F, Hatami H, Hajivandi A. The relationship between spiritual intelligence, hardiness and public health nurses. *Kermanshah University of Medical Sciences*. 2010; 15(6). (Persian)
25. Azadmarzabadi E, Houshmandja M, Pourkhalil M. The relationship between organizational spirituality and psychological empowerment, creativity, spiritual intelligence, job stress and job satisfaction of employees. *Journal of Behavioral Sciences*. 2011; 6(22). (Persian)
26. Hasanzadeh R, Aghaei A, mehdad A, Atashpour S. Occupational stress and mental health of the petrochemical company before and after privatization. *Journal of Applied Psychology scholarship*. 2004; 24. (Persian)
27. Hashemzadeh I, Orangi M, Bahrebardar M.J. Occupational stress and its relation to mental health staff in hospitals in Shiraz. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 1999; 6(22). (Persian)

Original Article

The Relationship among spiritual intelligence, mental health and job stress in nurses in Imam Khomeini Hospital of Mahabad

A. Ghaleei¹; B. Mohajeran²; M. Mahmoodzadeh^{3*}

1- Assistant Professor, Urmia University, Faculty of Literature and Humanities, Dept. of Educational Sciences, Urmia, Iran.

2- Assistant Professor, Urmia University, Faculty of Literature and Humanities, Dept. of Educational Sciences, Urmia, Iran.

3- M.A. Student, Urmia University, Faculty of Literature and Humanities, Dept. of Educational, Urmia, Iran.

Received: 29.8.2015

Accepted: 24.1.2016

Abstract

Background: Nowadays, spiritual intelligence, as a modern approach, has an important role in improving mental health, reducing job stress and improving social functioning. This role is well recognized by organizations, and its improvement has increased staff's better understanding of their jobs and their satisfaction with their jobs in this context, the present is study aimed to investigate the relationship of spiritual intelligence with mental health and job stress among nurses.

Methods: This correlation-descriptive study was conducted among all nurses in Imam Khomeini Hospital in Mahabad (n=270), where 160 nurses were randomly selected to answer the questionnaires. Three questionnaires were used for data collection and the reliability and validity of the tools were tested and confirmed. MANOVA was used to analyze the data in SPSS/22.

Results: Results showed that spiritual intelligence had a significant relationship with mental health ($P = 0.001$), spiritual intelligence had a significant relationship with job stress ($P = 0.001$), and mental health had a significant relationship with job stress ($P = 0.001$).

Conclusion: In sum, attending to and emphasis on spiritual intelligence and its dimensions can fill the hospital with mental health, and reduce job stress among nurses. Therefore, attending to spiritual intelligence and improving it in nurses seems necessary to improve the quality of patient care.

Keywords: Mental Health; Nurses; Spiritual Intelligence; Stress, Psychological

*Corresponding Author: M. Mahmoodzadeh; M.A. Student, Urmia University, Faculty of Literature and Humanities, Dept. of Educational, Urmia, Iran. Email: mahmoodzadeh68@yahoo.com